

بررسی کاربرد منابع دانش و تأثیر آن بر میزان موفقیت فارسی آموزان عرب زبان (راهبردهای استنباط معنی واژگان فارسی با ریشه عربی)

رقبه صلاحی^۱
زهرا علیمراد^۲
امیرسعید مولودی^۳

چکیده

هدف از این پژوهش بررسی منابع دانش و راهبردهای استنباط معنی است که فارسی آموزان عرب زبان در هنگام مواجهه با واژگان فارسی با ریشه عربی استفاده می کنند. همچنین، میزان موفقیت آنان در استنباط معانی این واژگان و رابطه آن با نوع و تعداد منابع دانش و راهبردهای استنباط معنی مورد استفاده آن ها در این پژوهش بررسی شده است. برای این منظور، ۶۴ واژه فارسی با ریشه عربی، ابتدا خارج از بافت و سپس، در قالب یک داستان کوتاه به ۱۰ نفر فارسی آموز عرب زبان اهل کشور لبنان داده شد. سپس، پروتکل بلند فکر کردن به آن ها آموزش داده شد و منابع و راهبردهای مورد استفاده آن ها براساس منابع دانش، معرفی شده توسط هاستراپ (۲۰۰۸) و راهبردهای ارائه شده توسط هو و نساجی (۲۰۱۴) ضبط، ثبت و بررسی شد. برای تعیین سطح این افراد، یک آزمون درک مطلب گرفته شد. نتایج نشان داد که این افراد از ۱۸ راهبرد استنباط معنی واژگان و شش منبع دانش جهت استنباط معنای واژگان فارسی دارای ریشه عربی استفاده کردند. به طور کلی، بافت متنی و دانش فرد از جهان خارج از عوامل تأثیرگذار در استنباط بودند و بین میزان موفقیت افراد در استنباط با نوع و تعداد راهبردهای استنباط معنی و منابع دانشی که استفاده کردند رابطه معناداری مشاهده نشد.

کلید واژه ها:

درک مطلب، راهبردهای استنباط معنی واژگان، فارسی آموزان عرب زبان، منابع دانش، واژگان فارسی با ریشه عربی.

۱. کارشناس ارشد آموزش زبان فارسی به غیرفارسی زبانان دانشگاه شیراز. (نویسنده مسئول)
(r.salahi1991@gmail.com)

۲. استادیار آموزش زبان انگلیسی دانشگاه شیراز.

۳. استادیار زبانشناسی همگانی دانشگاه شیراز.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۱/۱۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۲/۰۲

۱- مقدمه

بسیاری از واژگان عربی که وارد زبان فارسی شده‌اند در طول این سالیان دچار تغییر معنایی شده‌اند (آذرنوش، ۱۳۸۷). در فرایند تغییر معنایی، واژه ارتباط خود را با معنا، مفهوم و احساسی که قبلاً به آن وابسته بوده از دست داده یا احساس و مفهوم جدیدی را برای گویشوران تداعی می‌کند (کتز^۱، ۱۹۷۹).

وجود واژه‌های فارسی با ریشه عربی که دچار تغییر معنایی شده‌اند، در آموزش زبان فارسی به‌عنوان زبان دوم یا خارجی به عرب‌زبانان اهمیت زیادی دارد؛ چرا که ممکن است زبان‌آموز عرب‌زبان تصور کند که این واژه عربی در زبان فارسی عیناً همان معنا و کاربرد رایج در عربی را دارد و همین مسأله موجب خطا می‌شود. چنان‌که در بحث تداخل^۲ زبان مادری اذعان شده است، زبان‌آموز به‌طور خودکار از دانش زبان مادری‌اش در یادگیری زبان دوم یا خارجی استفاده می‌کند. وقتی که نظام زبانی هر دو زبان اول و دوم یا خارجی شبیه باشند، مشکلی پیش نخواهد آمد. اما وقتی که نظام‌های زبانی متفاوت باشند، ممکن است زبان مادری با زبان دوم یا خارجی تداخل پیدا کند (یارمحمدی و رشیدی، ۱۳۸۷: ۱۱). آلر و ضیاحسینی (۱۹۷۰) چنین می‌گویند که نسخه متوسط تحلیل مقابله‌ای^۳ پیش‌بینی می‌کند که در حین فراگیری یک زبان، هر چه تفاوت بین دو زبان اول و دوم کمتر باشد احتمال وقوع خطا بیشتر است (به نقل از یارمحمدی و رشیدی، ۱۳۸۷: ۳۸).

برای آموزش واژگان هم‌ریشه^۴ که در دو زبان، ظاهری یکسان اما معنایی متفاوت دارند، وجود بافت پاره‌گفتار می‌تواند بسیار مفید باشد (آلن^۵، ۱۹۸۳). اندرسون و فری‌بادی (۱۹۸۱) طی تحقیقاتی عنوان کرده‌اند که متغیر واژه، نسبت به عواملی مثل جمله، توانایی استنباط و به دست آوردن مفهوم اصلی متن، در درک مطلب مؤثرتر است (به نقل از کادی^۶ و هاکین^۷، ۱۹۹۷).

۱. Katz

۲. interference

۳. moderate version of contrastive analysis

۴. cognate

۵. Allen

۶. Coady

۷. Huckin

۱-۱- استنباط واژگانی

در فرایند یادگیری زبان دوم یا خارجی و هنگام رویارویی با واژه جدید در یک متن، از راهبردهای مختلفی نظیر حدس زدن، استفاده از فرهنگ لغت، نادیده گرفتن واژه، مشورت با معلم و یا استنباط و تشخیص معنی واژه^۱ از متن، استفاده می‌شود (نیشن^۲، ۱۹۹۰). جهت استنباط واژگان، معنای واژه بر اساس اطلاعات قبلی و آگاهی زبان‌آموز از متن و بافت و دانش زبان مربوط حدس زده می‌شود (هاستراپ^۳، ۱۹۹۱: ۴۰).

طبق گفته‌ی وش^۴ و پریخت^۵ (۲۰۰۹) در استنباط واژگانی، زبان‌آموز با ترکیبی از شواهد بافتی، دانش زبانی و دانش خود از جهان و متن مورد نظر، معنای یک واژه جدید را حدس می‌زند (یو^۶ و آدلین^۷، ۲۰۱۵).

نساجی^۸ (۲۰۰۳) ماهیت واژه و متنی که در آن به کار رفته، نوع اطلاعات موجود در متن، اهمیت واژه برای درک متن، میزان شناخت و تلاش ذهنی درگیر در تکلیف و میزان اطلاعات موجود در محیط متن، استفاده از ساختار درونی واژه‌ها و مؤلفه‌هایشان شامل انواع واج، آوا، تکواژها و ... را از عوامل مؤثر در استنباط موفق نام می‌برد.

۱-۲- راهبردهای مورد استفاده در استنباط واژگانی

هو^۹ و نساجی (۲۰۱۴) ۱۲ راهبرد مورد استفاده زبان‌آموزان را شناسایی کرده‌اند که عبارتند از: تحلیل کردن، مرتبط کردن^۱، تکرار کردن، استفاده از نشانه‌های متنی، استفاده از دانش قبلی، ترجمه و تفسیرکردن^{۱۱}، سؤال کردن^{۱۲}، تأیید کردن^{۱۳}،

۱. lexical inferencing

۲. Nation

۳. Haastруп

۴. Wesche

۵. Paribakht

۶. Yu

۷. Odlin

۸. Nassaji

۹. Hu

۱۰. associating

۱۱. paraphrasing

۱۲. making inquiry

۱۳. confirming

یادداشت گذاشتن^۱، بیان شکست یا دشواری^۲، به تعویق انداختن قضاوت‌ها^۳، دوباره تلاش کردن^۴.

۱-۳- منابع دانش

شواهد و سرنخ‌های بافتی را منابع دانش می‌گویند. بافت زبانی^۶ واژه مورد نظر و دانش زبان‌آموز درباره جهان، نشانه‌ها و شواهد بافتی را تعریف می‌کنند. دانش درباره جهان^۷ یعنی اطلاعات حقیقی و واقعی و هر چیزی که زبان‌آموز در قالب روحیات و گرایش‌ها، باورها، پیش‌داوری‌ها، تجارب شخصی و احساسات مشترک از آن‌ها استفاده می‌کند. به شواهد و نشانه‌های زبانی شواهد «درون‌واژه‌ای^۸» گفته می‌شود و به دو دسته «درون‌زبانی^۹» و «بین‌زبانی^{۱۰}» تقسیم می‌شوند. شواهد درون‌زبانی از زبان مقصد که همان زبان واژه مورد نظر می‌باشد، گرفته می‌شود و به این منظور، خود واژه، ریشه و وندها در نظر گرفته می‌شوند و در حقیقت وارد حوزه واژشناسی می‌شود. شواهد بین‌زبانی نیز به معنای استفاده از دیگر زبان‌هاست (هاستراپ، ۲۰۰۸).

تمامی این اطلاعات حاصل پژوهش‌های انجام شده در زبان انگلیسی است و بر اساس اطلاعات موجود تاکنون در مورد استنباط معانی واژگان فارسی با ریشه عربی توسط عرب‌زبانان مطالعه‌ای انجام نشده است. پژوهش حاضر به دنبال یافتن راهبردها و منابع دانشی است که فارسی‌آموزان عرب‌زبان هنگام مواجهه با واژگان فارسی دارای ریشه عربی که دچار تغییر معنایی شده‌اند، به کار می‌گیرند و همچنین درصدد بررسی رابطه بین میزان موفقیت این زبان‌آموزان و راهبردها و منابع دانشی است که استفاده می‌کنند. بر این اساس، پرسش‌های زیر مطرح شده است:

۱. commenting
۲. stating the failure/difficulty
۳. suspending judgments
۴. reattempting
۶. co-text
۷. knowledge of the world
۸. word-internal
۹. intralingual
۱۰. interlingual

۱. فارسی آموزان عرب زبان برای استنباط کردن معنی کلمات فارسی با ریشه عربی از چه منابع دانش و راهبردهای استنباط معنی استفاده می کنند؟
۲. نوع و تعداد راهبردهای استنباط معنی و منابع دانشی که فارسی آموزان عرب زبان استفاده می کنند و میزان موفقیت آن‌ها در استنباط معانی آن واژه‌ها چگونه مقایسه می شوند؟

۲- پیشینه پژوهش

تاکنون، پژوهشی درباره استنباط واژگانی در زبان فارسی انجام نشده است و تمامی پژوهش‌ها در زبان‌های دیگر بویژه زبان انگلیسی بوده است. طبق پژوهشی که امینی و نیازی (۱۳۹۲) انجام داده‌اند عواملی چون عامل دینی، عامل به گویی (حسن تعبیر)، عامل انقطاع فرهنگی، عامل نوگزینش از سوی فرهنگستان یا گویشوران و تحول واژه‌ها در زبان مبدأ باعث چنین تغییرات معنایی در واژگان عربی دخیل در فارسی شده‌اند. این پژوهش، عرب‌زبانان فارسی آموز را در نظر نگرفته است.

تداخل واژگانی و تأثیر آن در نگارش دانشجویان زبان و ادبیات عربی در مقاله‌ای توسط گنجی و جلالی پیکانی (۱۳۸۷) بررسی شده است. بر این اساس، تداخل زبان فارسی به عنوان مهم‌ترین عامل خطاهای نگارشی دانشجویان رشته زبان و ادبیات عربی معرفی شده که دلیل آن ترجمه کلمه به کلمه می‌باشد. آموزش زبان فارسی توسط عرب‌زبانان در این پژوهش نیز بررسی نشده است.

نساجی (۲۰۰۳) یادگیری واژگان زبان انگلیسی را به‌عنوان زبان دوم از طریق متن مطالعه کرده و میزان موفقیت در استنباط واژگان را بر اساس راهبردها و منابع دانش مورد استفاده، بررسی کرده است. داده‌های این پژوهش با استفاده از پروتکل‌های فکرخوانی^۱ به صورت همزمان^۲ و گذشته‌نگر^۳ از فراگیران سطح متوسط زبان انگلیسی به عنوان زبان دوم جمع‌آوری شده است. میزان موفقیت زبان‌آموزان حتی وقتی که راهبردها و منابع دانش لازم را در اختیار داشتند، به‌طور کلی پایین بوده است و موفقیت این افراد بیشتر به کیفیت راهبردهای به کار رفته بستگی داشته است. همچنین بین راهبردها و توانایی استفاده مؤثر از آن‌ها تمایز وجود دارد و یادگیری واژگان جدید صرفاً بر اساس متن و بافت نیست.

۱. thinkaloud

۲. introspective

۳. retrospective

در پژوهش دیگری که توسط هو و نساجی (۲۰۱۴) صورت گرفت، میزان موفقیت افراد در استنباط معنی واژگان زبان انگلیسی بر اساس راهبردهای مورد استفاده آن‌ها بررسی شد و در نتیجه، افراد موفق در استنباط معنای واژگان از لحاظ راهبردهای مورد استفاده و زمان و چگونگی استفاده از این راهبردها در برابر افراد کمتر موفق قرار گرفتند. یافته‌های این پژوهش نشان داد که زبان‌آموزان از راهبردهای تحلیل، مرتبط کردن، تکرار کردن، استفاده از نشانه‌های متنی، استفاده از دانش قبلی، ترجمه و تفسیر کردن، سؤال کردن، تأیید کردن، یادداشت گذاشتن، بیان شکست یا دشواری، به تعویق انداختن قضاوت‌ها و دوباره تلاش کردن استفاده کرده‌اند.

در زمینه استنباط معنی واژگان جدید در یادگیری زبان اسپانیولی، پژوهشی توسط فرانتزن^۱ (۲۰۰۳) صورت گرفت و عوامل مؤثر بر دریافت معنی واژه از بافت متن بررسی شد. نتایج نشان داد که بافت متنی یک روش بنیادی در تشخیص معنی واژگان است اما همیشه باعث استنباط موفق نمی‌شود.

رابطه سطح زبانی فراگیران زبان انگلیسی با نوع منابع دانش انتخابی این افراد توسط بابایی (۱۳۸۴) بررسی شده است. یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است که زبان‌آموزان سطح مقدماتی از همه نشانه‌ها اعم از بافتی، درون‌زبانی و بین‌زبانی استفاده کردند. زبان‌آموزان سطح متوسط بیشتر بر شواهد بافتی تکیه داشتند و زبان‌آموزان سطح پیشرفته از منابع دانش بافتی و درون‌زبانی استفاده کردند. بنابراین، رابطه‌ای خاص بین انتخاب منابع دانش و سطح بسندگی زبان‌آموزان مشاهده شد و همچنین بین سطح بسندگی و توانایی استنباط واژگانی تفاوت قابل ملاحظه‌ای وجود داشت اما بین توانایی استنباط افراد و مهارت درک مطلب آن‌ها رابطه خاصی وجود نداشت.

همانطور که ملاحظه می‌شود، ضرورت انجام پژوهشی با موضوع استنباط واژگانی در زبان فارسی نیز احساس می‌شود. همچنین، در حیطه تقابل واژگان فارسی و عربی تاکنون پژوهشی با محوریت تأثیر واژگان دخیل عربی در آموزش زبان فارسی به عرب‌زبانان صورت نگرفته است. بنابراین، باتوجه به اهمیت یافتن آموزش زبان فارسی به مرور زمان، بویژه برای عرب‌زبانان منطقه‌ی خاورمیانه که

۱. Frantzen

برای اهداف تحصیلی به ایران سفر می کنند، نیاز است که آموزش زبان فارسی به عنوان زبان دوم و یا خارجی، از جنبه های مختلف بررسی شود. علاوه بر این، به علت وجود واژگان دخیل بسیار و همچنین واژگان فارسی دارای ریشه عربی که دچار تغییر معنایی شده اند، مسأله آموزش این واژگان و نحوه استنباط معنای آن ها از متن باید مورد توجه قرار گیرد و از این طریق به روش های بهتر جهت آموزش این واژگان به فارسی آموزان عرب زبان دست یافت و یا در تألیف کتاب برای این دسته از زبان آموزان به آن توجه نمود.

۳- روش پژوهش

به منظور انجام این پژوهش ابتدا، از بین ۲۵۰ واژه فارسی با ریشه عربی از منابع گوناگون مانند وبسایت، کتاب و ... تعداد ۶۴ واژه انتخاب شد. سپس، یک آزمون استاندارد درک مطلب که توسط مرکز آموزش زبان فارسی فردوسی مشهد تهیه شده و روایی و پایایی آن توسط این مرکز سنجیده شده بود از تعداد ۱۰ فارسی آموز عرب زبان اهل کشور لبنان که در دانشگاه شیراز مشغول به تحصیل بودند، گرفته شد. از این آزمون برای تعیین سطح توانش فارسی آموزان در درک مطلب فارسی استفاده شد. این آزمون شامل پنج متن بود که برای هر متن بین پنج تا هفت سؤال چهارگزینه ای در نظر گرفته شده بود و در مجموع ۳۰ سؤال چهار گزینه ای داشت. روایی محتوایی این آزمون توسط یک استاد آموزش زبان، بررسی و تایید شد. سپس ۶۴ واژه انتخاب شده در ابتدا به صورت جداگانه به شرکت کنندگان داده شد تا معنای آن ها را به فارسی توضیح دهند و اگر شرکت کننده، معنای واژه ای را نمی دانست، آن واژه برای او ثبت می شد تا در مرحله بعد دوباره از او پرسیده شود. پس از آن، این ۶۴ واژه در قالب یک داستان کوتاه که توسط یک نویسنده و کارگردان تئاتر نوشته شده بود، مجدداً به این افراد داده شد و از آن ها خواسته شد معنای واژه هایی را که نمی دانستند در بافت داستان حدس بزنند و دلایل خود را برای انتخاب این معنا توضیح دهند. در تمام این مراحل صدای شرکت کنندگان ضبط و ثبت شد و سپس منابع دانش و راهبردهای استنباط معنی این افراد توسط پژوهش گران مشخص شد. منابع دانش معرفی شده توسط هاستراپ (۲۰۰۸) و راهبردهای ارائه شده توسط هو و نساجی (۲۰۱۴) به عنوان مبنا در نظر گرفته شدند و همچنین راهبردهای جدید بیان

شده توسط شرکت کنندگان در پژوهش ثبت شدند. هر دو پژوهش گر، منابع دانش و راهبردهای استنباط معنی را کدگذاری کردند و همبستگی بین دو دسته کد ۰/۹۸ بود که بر اساس پلنت^۱ (۲۰۱۱) بسیار بالا و رضایت بخش بود و پایایی کدگذاری‌ها را تأیید می‌کرد. به منظور بررسی میزان موفقیت شرکت کنندگان در استنباط معنی واژگان، در صورتی که شرکت کنندگان معنی واژه‌ها را در متن‌ها کاملاً درست حدس می‌زدند، نمرهٔ یک و در صورتی که حدس آن‌ها کاملاً اشتباه بود نمرهٔ صفر و اگر حدس آن‌ها حدوداً درست بود، نمرهٔ نیم در نظر گرفته شد. چارچوب و مینا برای نمره‌گذاری پاسخ‌های شرکت کنندگان، معنای ذکر شده در فرهنگ بزرگ سخن (۱۳۸۱) در کنار معنای بافتی و شمّ زبانی گویشور فارسی زبان و همچنین بار عاطفی واژگانی که دارای قطبیت‌اند یعنی دارای معنای مثبت یا منفی هستند؛ در نظر گرفته شد. برای تعیین پایایی نمره‌دهی‌ها، پژوهشگران به‌طور مستقل به پاسخ‌های یکی از شرکت کنندگان نمره دادند و همبستگی بین این نمرات ۰/۹۳ بود که همبستگی بالا و رضایت بخشی است (پلنت، ۲۰۱۱). پس از آن، برای اینکه نمرهٔ هر فرد با نمرات دیگران قابل مقایسه باشد، نمرهٔ همهٔ آن‌ها بر اساس نمرهٔ ۲۰ سنجیده شد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱. Pallant

۴- تحلیل داده‌ها

پس از گردآوری داده‌ها و تحلیل نتایج، داده‌ها به صورت کیفی و کمی ارائه می‌گردد. اسامی ذکر شده مستعار است.

۴-۱- منابع دانش مورد استفاده فارسی آموزان عرب‌زبان

جدول ۱ بسامد و درصد استفاده فارسی آموزان را از منابع دانش نشان می‌دهد.

جدول ۱- بسامد و درصد استفاده فارسی آموزان از منابع دانش

منابع دانش	بسامد	درصد
هم‌متن	۳۳۱	۴۸,۲۵
دانش درباره جهان	۳۲۸	۴۷,۸۱
دانش بین‌زبانی (عربی)	۱۸	۲,۶۲
دانش بین‌زبانی (انگلیسی)	۷	۱,۰۲
دانش بین‌زبانی (فرانسوی)	۱	۰,۱۵
دانش درون‌زبانی	۱	۰,۱۵
مجموع	۶۸۶	

نتیجه مذکور با مطالعات انجام شده توسط هاستراپ (۲۰۰۸) مطابقت دارد. طبق مطالعه هاستراپ (۲۰۰۸)، منابع دانش به دو دسته شواهد بافتی، شامل هم‌متن و دانش درباره جهان، و شواهد زبانی یا درون‌واژه‌ای، شامل دانش درون‌زبانی و بین‌زبانی، تقسیم می‌شود که همه این موارد در نتایج به‌دست‌آمده قابل رؤیت هستند. علاوه بر این، طبق پژوهش بابایی (۱۳۸۴) زبان آموزان از نشانه‌های بافتی، درون‌زبانی و بین‌زبانی استفاده کردند. بنابراین، یافته‌های این پژوهش نیز با پژوهش‌های گذشته هم‌سو هستند.

۴-۲- راهبردهای استنباط معنی مورد استفاده فارسی آموزان عرب‌زبان

جدول ۲ بسامد و درصد استفاده فارسی آموزان عرب‌زبان را از راهبردهای استنباط معنی نشان می‌دهد.

جدول ۲- بسامد و درصد استفاده فارسی آموزان از راهبردهای استنباط معنی

راهبردهای استنباط معنی	بسامد	درصد
استفاده از دانش قبلی	۳۳۴	۳۴,۷۶
استفاده از نشانه‌های متنی	۳۲۲	۳۴,۵۵
تکرار کردن	۱۳۹	۱۴,۴۶
مثال زدن	۳۸	۳,۹۵
بیان شکست	۳۷	۳,۸۵
تجدید نظر کردن	۲۲	۲,۲۹
مرتبط کردن	۱۴	۱,۴۶
مطابقت دادن	۹	۰,۹۴
مرور کردن داستان	۹	۰,۹۴
بیان تردید	۷	۰,۷۳
تحلیل کردن	۵	۰,۵۲
بیان دشواری	۳	۰,۳۱
ترجمه کردن	۳	۰,۳۱
ترجمه و تفسیر کردن	۳	۰,۳۱
تفسیر کردن	۲	۰,۲۱
دوباره تلاش کردن	۲	۰,۲۱
بیان شکست و دشواری	۱	۰,۱
توصیف کردن	۱	۰,۱
مجموع	۹۶۱	

پنج راهبرد از این ۱۸ راهبرد جزء یافته‌های این پژوهش محسوب و به‌عنوان راهبردهای جدید معرفی می‌شوند. این پنج راهبرد عبارتند از «مثال زدن»، «مرور

کردن داستان»، «تجدیدنظر کردن»، «بیان تردید» و «توصیف کردن». راهبرد «مثال زدن» بدین معناست که فارسی‌آموز عرب‌زبان برای تبیین بهتر و یا ملموس‌تر کردن توضیحات و افکار خود برای واژه موردنظر مثال‌هایی ارائه می‌کند. برای مثال، جهت ارائه معنای واژه «امکانات» از خدمات اتوبوس و تلفن همراه به‌عنوان مثال‌هایی از امکانات در زندگی یاد کرد.

راهبرد «مرور کردن داستان» بدین معناست که فارسی‌آموز عرب‌زبان برای درک بهتر روند داستان و اتفاقاتی که در داستان افتاده است، آن را از ابتدا یک بار دیگر مرور می‌کند.

راهبرد «تجدیدنظر کردن» بدین معناست که فارسی‌آموز عرب‌زبان پس از ارائه یک معنا برای واژه موردنظر، نظر خود را کنار گذاشته و دست به استنباط جدیدی می‌زند.

راهبرد «بیان تردید» بدین معناست که فارسی‌آموز عرب‌زبان برای ارائه یک معنای واحد دچار شک و تردید شده و هر دو معنای موردنظرش را بیان کرده و اظهار می‌دارد که در معنای موردنظر خود تردید دارد.

راهبرد «توصیف کردن» بدین معناست که فارسی‌آموز عرب‌زبان شروع به توصیف کردن واژه موردنظر کرده و ویژگی‌های آن را بیان می‌کند. به‌عنوان مثال، واژه «اعلامیه» را چنین توصیف می‌کند: یک کاغذ که عکس و مشخصات کسی که فوت کرده را روی آن می‌نویسند و در جاهایی که مردم هستند، پخش می‌کنند.

همچنین، فارسی‌آموزان عرب‌زبان از راهبردهایی مثل «ترجمه و تفسیر کردن» و «بیان شکست و دشواری» نیز به صورت جداگانه استفاده می‌کردند. به‌طور مثال، «ترجمه کردن» و «تفسیر کردن» به‌عنوان دو راهبرد مجزا به کار رفتند. همچنین، راهبردهایی مثل «به تعویق انداختن قضاوت‌ها»، «یادداشت گذاشتن» و «سؤال کردن» که توسط هو و نساجی (۲۰۱۴) معرفی شده‌اند در این پژوهش توسط فارسی‌آموزان عرب‌زبان استفاده نشدند. دلیل عدم استفاده از این راهبردها را می‌توان نداشتن زمان کافی برای به تعویق انداختن قضاوت‌ها و عدم دسترسی به امکانات خاص برای یادداشت گذاشتن ذکر کرد. همچنین، اگر فارسی‌آموز عرب‌زبان از راهبرد سؤال کردن (زیر سؤال بردن استنباط‌های

خود) استفاده کرده باشد به دلیل اینکه آن را بلند بیان نکرده است، نمی‌توان آن را در زمرهٔ راهبردهای مورد استفاده قرار داد.

به‌طور کلی، بسامد بسیار بالای راهبردهای «استفاده از نشانه‌های متنی» و «استفاده از دانش قبلی» و منابع دانش «هم‌متن» و «دانش دربارهٔ جهان» از اهمیت بالای نشانه‌ها و شواهد بافتی در مقابل نشانه‌ها و شواهد زبانی خبر می‌دهد. بدین ترتیب، وجود بافت زبانی یا همان متنی که واژه در آن قرار گرفته است و دانش فرد از بافت و جهان پیرامون در فهمیدن معنای واژه‌ها و درک کلی متن، مهمترین نقش را دارند.

۴-۳- نوع و تعداد راهبردهای استنباط معنی و منابع دانش و میزان موفقیت فارسی‌آموزان در استنباط معانی

کل راهبردهای استنباط معنی ۹۶۱ راهبرد و کل منابع دانش ۶۸۶ منبع بود.



جدول ۳- کل بسامد و درصد راهبردهای مورد استفاده فارسی آموزان

رتبه	میزان استفاده		نسبت استفاده به کل		نسبت استفاده به کل		نسبت استفاده به کل		نسبت استفاده به کل		نسبت استفاده به کل		نسبت استفاده به کل		نسبت استفاده به کل		نسبت استفاده به کل		نسبت استفاده به کل			
	مقدار	درصد	مقدار	درصد	مقدار	درصد	مقدار	درصد	مقدار	درصد	مقدار	درصد	مقدار	درصد	مقدار	درصد	مقدار	درصد	مقدار	درصد		
۱	۱۸۸	۳۷	۳۸۱	۳۷	۱۸	۳۸	۱	۳۸	۱	۳۸	۱	۳۸	۱	۳۸	۱	۳۸	۱	۳۸	۱	۳۸	۱	۳۸
۲	۱۱۳۶	۳۰	۳۸	۳۸	۸	۳۸	۱	۳۸	۱	۳۸	۱	۳۸	۱	۳۸	۱	۳۸	۱	۳۸	۱	۳۸	۱	۳۸
۳	۱۰۷۵	۳۰	۳۸	۳۸	۱۸	۳۸	۱	۳۸	۱	۳۸	۱	۳۸	۱	۳۸	۱	۳۸	۱	۳۸	۱	۳۸	۱	۳۸
۴	۱۰۰	۳۸	۳۸	۳۸	۱۸	۳۸	۱	۳۸	۱	۳۸	۱	۳۸	۱	۳۸	۱	۳۸	۱	۳۸	۱	۳۸	۱	۳۸
۵	۸۶	۳۸	۳۸	۳۸	۱۸	۳۸	۱	۳۸	۱	۳۸	۱	۳۸	۱	۳۸	۱	۳۸	۱	۳۸	۱	۳۸	۱	۳۸
۶	۸۶	۳۸	۳۸	۳۸	۱۸	۳۸	۱	۳۸	۱	۳۸	۱	۳۸	۱	۳۸	۱	۳۸	۱	۳۸	۱	۳۸	۱	۳۸
۷	۸۸	۳۸	۳۸	۳۸	۱۸	۳۸	۱	۳۸	۱	۳۸	۱	۳۸	۱	۳۸	۱	۳۸	۱	۳۸	۱	۳۸	۱	۳۸
۸	۸۳	۳۸	۳۸	۳۸	۱۸	۳۸	۱	۳۸	۱	۳۸	۱	۳۸	۱	۳۸	۱	۳۸	۱	۳۸	۱	۳۸	۱	۳۸
۹	۷۱۵	۳۸	۳۸	۳۸	۱۸	۳۸	۱	۳۸	۱	۳۸	۱	۳۸	۱	۳۸	۱	۳۸	۱	۳۸	۱	۳۸	۱	۳۸
۱۰	۷۵	۳۸	۳۸	۳۸	۱۸	۳۸	۱	۳۸	۱	۳۸	۱	۳۸	۱	۳۸	۱	۳۸	۱	۳۸	۱	۳۸	۱	۳۸

ادامه‌ی جدول ۳ در صفحه بعد

ردیف	فرد	نمبره اشتراط	میان تربیت		تحقیق کردن		بیان شورای		ترجمه کردن		توضیح گرفتن		تفسیر کردن		توصیف کردن		بیان تک و تفسیری	
			درصد	بند	درصد	بند	درصد	بند	درصد	بند	درصد	بند	درصد	بند	درصد	بند	درصد	بند
۱	قلزم	۳۲٫۹	۱	۱۱							۲	۱۱						
۲	حمزه	۱۱٫۳۲												۱				
۳	حسن	۱۰٫۷۵							۱									
۴	عباسی	۱۰٫۵	۲	۱۱														
۵	عبدال	۹٫۴	۱	۱۱					۱									
۶	عزیز	۹٫۴																۱
۷	لکس	۸٫۸								۱								
۸	حسن	۸٫۴۲	۱	۱۱														
۹	علی	۷٫۷۵	۱	۱۱														
۱۰	ناصر	۷٫۵																۱

جدول ۴- کل بسامد و درصد منابع دانش مورد استفاده فارسی آموزان

ردیف	منابع دانش														
	دانش درون زبانی		دانش بین زبانی فرانسوی		دانش بین زبانی انگلیسی		دانش بین زبانی عربی		دانش درباری جهان		هم‌بطن		نمونه استنباط	فرد	
بسامد	درصد	بسامد	درصد	بسامد	درصد	بسامد	درصد	بسامد	درصد	بسامد	درصد	بسامد			درصد
۱					۵	۰.۷۳			۵	۳.۵۳	۲۷	۴۰.۸	۲۸	۱۳.۹	قاسم
۲					۱	۰.۱۴			۱	۴.۱۳	۲۹	۴۳.۳	۲۹	۱۱.۳۳	خدیجه
۳		۰.۱۴			۲	۰.۲۹			۲	۵.۸۳	۴۰	۵۸.۳	۴۰	۱۰.۷۵	حسن
۴					۱	۰.۱۴			۱	۵.۲۹	۳۷	۵۳.۹	۳۷	۱۰.۵	عباس
۵					۲	۰.۴۴			۲	۴.۵۳	۳۱	۴۵.۳	۳۱	۹.۴	عمار
۶					۲	۰.۲۹			۲	۳.۵۳	۲۷	۳۹.۳	۲۷	۹.۰۶	عزیز
۷										۵	۳۵	۵۰.۸	۳۹	۸.۸	لکس
۸					۳	۰.۴۴			۳	۴.۳۷	۳۰	۴۳.۳	۲۹	۸.۴۲	حسان
۹					۱	۰.۱۴			۱	۴.۶۶	۳۲	۴۵.۳	۳۱	۷.۷۵	علی
۱۰	۱	۰.۱۴								۴۰	۵۸.۳	۴۰	۶۰	۷.۵	ناصر

میزان موفقیت فارسی آموزان عرب زبان در این پژوهش به طور کلی پایین بود و رابطه معناداری میان موفقیت این افراد در استنباط معنی واژگان و نوع و تعداد

راهبردها و منابع دانشی که استفاده کردند، مشاهده نشد.

راهبردهای «استفاده از نشانه‌های متنی» و «استفاده از دانش قبلی» و منابع دانش «هم‌متن» و «دانش درباره جهان» فارغ از میزان موفقیت افراد در استنباط معنی واژه موردنظر، از راهبردهایی هستند که توسط تمامی شرکت‌کنندگان استفاده شدند. بنابراین، نشانه‌ها و شواهد بافتی تأثیر بسیار مهمی بر نحوه استنباط معنی واژه‌ها دارند. راهبرد «تکرار کردن» سومین راهبرد پرسامد بود و این نیز مهر تأییدی بر اهمیت استفاده از بافت زبانی و متن در استنباط معنی واژه است. راهبرد «بیان شکست» نیز در بین افراد کمتر موفق نسبت به افراد موفق بیشتر استفاده شد و از این نظر، می‌توان ناکامی این افراد را در استنباط معنی واژه‌ها تبیین کرد. اما، پژوهشی که توسط هو و نساجی (۲۰۱۴) صورت گرفته است، نشان می‌دهد که افراد موفق در آن پژوهش بیشتر از راهبردهای «بیان شکست و دشواری»، «به تعویق انداختن قضاوت‌ها» و «دوباره تلاش کردن» استفاده کردند. این درحالی است که شرکت‌کنندگان موفق در پژوهش حاضر از راهبرد «به تعویق انداختن قضاوت‌ها» به هیچ وجه استفاده نکردند و به ندرت از راهبرد «بیان شکست و دشواری» و «دوباره تلاش کردن» استفاده کردند. حتی برخلاف یافته‌های پژوهش صورت گرفته توسط هو و نساجی (۲۰۱۴)، افرادی که بیشتر از بیان شکست استفاده کردند میزان موفقیت کمتری نسبت به دیگران داشتند؛ چراکه استفاده از همین راهبرد به معنای عدم موفقیت آن‌ها در استنباط معنای واژگان بود، به طوری که در هنگام مواجهه با واژگان جدید، پس از اندکی فکر کردن، به ذکر جملاتی از قبیل «نمی‌دانم» بسنده می‌کردند. در بین منابع دانش، شخصی که بیشترین موفقیت را در استنباط معنی واژه‌ها داشت بیشتر از دیگران از منبع «دانش بین‌زبانی عربی»، با ۵ مرتبه کاربرد، استفاده کرد. بنابراین، استفاده از زبان مادری (عربی) برای استنباط معنی واژه‌های فارسی با ریشه عربی به کمک فارسی‌آموز عرب‌زبان آمده است. از طرف دیگر، استفاده از منبع «دانش درون‌زبانی» با تنها یک بار کاربرد توسط شخصی که پایین‌ترین میزان موفقیت را داشت، نشان می‌دهد که استفاده از زبان مقصد، یعنی زبان فارسی، برای موفقیت در استنباط معنی واژه تأثیر چندانی نداشته است. همچنان که یارمحمدی و رشیدی (۱۳۸۷) بیان می‌کنند، در بحث تداخل زبان مادری،

وقتی که نظام زبانی زبان اول و دوم یا خارجی متفاوت باشند، ممکن است زبان مادری با زبان دوم یا خارجی تداخل پیدا کند. یافته‌های این پژوهش با این نظریه همسو هستند.

تمامی افراد شرکت کننده در پژوهش، از منبع دانش «هم‌متن» به میزان چشم‌گیری استفاده کردند. بنابراین، می‌توان گفت که این یافته‌ها با نتایج پژوهش فرانتزن (۲۰۰۳) نزدیکی بسیاری دارد؛ چراکه هر دو پژوهش نشان می‌دهند که استفاده از متن و بافت همیشه باعث موفقیت زبان‌آموز در استنباط معنای واژه جدید نمی‌شوند اما می‌تواند یک روش بنیادی در تشخیص معنای واژگان باشد.

۵- بحث و نتیجه‌گیری

بافت متنی و دانش فرد از جهان خارج از عوامل مهم در استنباط معنی واژگان جدید توسط فارسی‌آموزان عرب‌زبان هستند. فارسی‌آموز، زمانی که واژه را در یک بافت متنی می‌بیند در ابتدا به کمک خود متن که شامل واژه‌ها، جمله‌ها و بافت کلی متن می‌شود و سپس، براساس اطلاعات کلی که از جهان اطراف دارد، می‌تواند معنای واژه را حدس بزند. از سوی دیگر، حتی در استنباط‌های نادرست هم از بافت متنی و دانش خود از جهان خارج استفاده می‌کنند و این نکته اهمیت بافت را به‌عنوان اولین چیزی که افراد به آن رجوع می‌کنند، نشان می‌دهد.

استفاده از منبع «دانش بین‌زبانی عربی» توسط شرکت کننده‌ای که بیشتر موفقیت را در استنباط‌ها دارد و استفاده از منبع دانش «دانش درون‌زبانی» توسط شخص کمتر موفق نشان می‌دهد که زبان مادری (عربی) در فهم معنای واژه‌های فارسی با ریشه عربی کمک کننده بوده است و شباهت بین دو زبان باعث بروز خطا نشده و استفاده از منبع دانش «درون‌زبانی» که به معنای استفاده از زبان مقصد، زبان فارسی، است در موفقیت فارسی‌آموز تأثیری نداشته است.

چنانچه از نتایج این پژوهش برمی‌آید، نیاز است که در تهیه و تدوین مواد درسی برای آموزش زبان فارسی بویژه برای عرب‌زبانان و بویژه در آموزش واژگان فارسی دارای ریشه عربی و درک مطلب مناسب این واژگان توجه بیشتری شود. همچنین، می‌توان با آموزش راهبردهای استنباط معنی واژگان، فارسی‌آموزان را برای نحوه یافتن معنی واژگان جدید تربیت کرد و اثر یادگیری را مضاعف

کرد. از سوی دیگر، می‌توان مدرسان زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان را با این مشکلات و نحوه برخورد با آنها و روش‌های آموزش این واژگان آشنا کرد. علاوه بر این، با استفاده از روش گسترده‌خوانی^۱ بسامد مواجهه فارسی‌آموزان را با واژگان مختلف بالا برد و از متون مورد علاقه فارسی‌آموزان برای لذت بردن از خواندن و درک مطلب استفاده کرد.

در این پژوهش، به دلیل عدم دسترسی به تعداد بیشتر فارسی‌آموزان عرب زبان مجبور به استفاده از نمونه‌های در دسترس شدیم و نتوانستیم از نمونه‌های تصادفی استفاده کنیم. همچنین به خاطر عدم دسترسی به فارسی‌آموزان دختر، مجبور شدیم که پژوهش را به مطالعه بر روی فارسی‌آموزان پسر محدود کنیم. می‌توان فارسی‌آموزان را به سطوح مقدماتی، میانی و پیشرفته تقسیم کرد و سپس منابع دانش و راهبردهای استنباط معنی آنها را در این سه سطح با یکدیگر مقایسه کرد. همچنین، می‌توان راهبردهای استنباط معنی را به فارسی‌آموزان آموزش داد و تأثیر آن را بر میزان موفقیت افراد بررسی کرد. در آخر، می‌توان کتب موجود در آموزش زبان فارسی مخصوصاً کتاب‌های خواندن و درک مطلب را از نظر نحوه آموزش راهبردهای استنباط معنی ارزیابی کرد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

1. Extensive reading

منابع

۱. آذرنوش، آذرتاش، (۱۳۸۷)، چالش میان فارسی و عربی. تهران، نی.
۲. امینی، ادریس، نیازی، شهریار (۱۳۹۲)، «ماهیت و پیامدهای تحول معنایی واژگان عربی در زبان فارسی»، جستارهای زبانی، ۲، ۵۳-۷۶.
۳. انوری، حسن، (۱۳۸۱)، فرهنگ بزرگ سخن، تهران، سخن.
۴. بابایی، نرگس، (۱۳۸۴)، «بررسی انتخاب منابع در حدس زدن معنی واژگان جدید توسط زبان‌آموزان دختر و رابطه آن‌ها با سطح علمی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
۵. قیم، عبدالنبی، (۱۳۸۴)، فرهنگ معاصر عربی-فارسی، تهران، فرهنگ معاصر.
۶. گنجی، نرگس، جلالی‌پیکانی، مریم، (۱۳۸۷)، «تداخل و تأثیر آن در نگارش عربی دانشجویان فارسی‌زبان»، انجمن ایرانی زبان و ادبیات عربی، ۱۰، ۷۷-۹۹.
۷. ناظیمان، رضا، (۱۳۸۱)، روش‌هایی در ترجمه از عربی به فارسی، تهران، سمت.
۸. یارمحمدی، لطف‌الله، رشیدی، ناصر، (۱۳۸۷)، زبان‌شناسی مقابله‌ای کاربردی در زبان انگلیسی و فارسی با تأکید بر دستور. تهران، رهنما.

9. Allen, Virginia French, (1983), Techniques in teaching vocabulary, Oxford, Oxford University Press.
10. Akpınar Kadriye Dilek, (2013), "Lexical inferencing: Perceptions and actual behaviours of Turkish English as a Foreign Language Learners' handling of unknown vocabulary", South African Journal of Education, 33, 1-17.
11. Coady, James, Huckin, Thomas, (1997), Second language vocabulary acquisition, Cambridge, Cambridge University Press.
12. Comer, William J (2012), "Lexical inferencing in reading L2 Russian", Reading in a Foreign Language, 24, 209-230.
13. Frantzen, Diana, (2003), "Factors affecting how second language Spanish students derives meaning from context", The Modern Language Journal, 87, 169-199.
14. Haastrup, Kirsten, (1991), Lexical inferencing procedures or talking about words: Receptive procedures in foreign language learning with special reference to English, Tubingen, Gunter Narr.

15. Haastrup, Kirsten, (2008), "Lexical inferencing procedures in two languages, In DorteAlbrechtsen, Kirsten Haastrup & Birgit Henriksen", Vocabulary and writing in a first and second language: Processes and development, (pp. -111 67). New York: Palgrave Macmillan.
16. Hu, Hsueh-chao Marcella, Nassaji, Hossein, (2014), "Lexical inferencing strategies: The case of successful versusless successful inferencers", System, 27-38 ,45.
17. Katz, Jerrold J, (1979), "Semantics and conceptual change", The Philosophical Review,88,327-365.
18. Nassaji, Hossein, (2003), "L2 vocabulary learning from context: Strategies, knowledge source, and their relationship with success in 12 lexical inferencing", TESOL Quarterly,37,645-670.
19. Nation, Paul, (1990), Teaching and learning vocabulary, Boston, Heinle&Heinle.
20. Pallant, Julie, (2011), SPSS Survival manual: A step by step guide to data analysis using SPSS for windows, New York, McGrew Hill.
21. Wesche, Marjorie Bingham, Paribakht, Sima, (2009), Lexical inferencing in a first and second language:Cross-linguistic dimensions, Clevedon, Multilingual Matters.
22. Yu, Liming, Odlin, Terence, (2015), New perspectives on transfer in second language learning, Bristol, Multilingual Matters.